

بررسی ادبیات آیینی و عاشورایی در اشعار حبیب الله چایچیان

محدثه فرخی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲، صفحه ۵۲ تا ۸۱ (مقاله پژوهشی)

چکیده

شعر آیینی به عنوان یکی از غنی‌ترین گونه‌های ادبیات فارسی، همواره بازتاب‌دهنده اعتقادات، باورهای دینی و آرمان‌های مذهبی مردم ایران بوده است. شعر آیینی شعر نیست که مضمون آن پیرامون محورباورها، مناسک، شخصیت‌ها و رخداد‌های مذهبی شکل می‌گیرد. این شعر می‌تواند حماسی، عرفانی، مرثیه‌ای یا ستایشگرانه باشد و بیشتر درباره شخصیت‌های اهل بیت، پیامبر اسلام (ص) مفاهیم توحیدی، اخلاق اسلامی و مناسبت‌های دینی سروده می‌شود. در این میان، حبیب الله چایچیان متخلص به «حسان» از برجسته‌ترین شاعران معاصر در حوزه شعر آیینی و از با اخلاص‌ترین شاعران اهل بیت (ع) به شمار می‌رود که آثارش عمیقاً تحت تأثیر آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت شکل گرفته است. بررسی شعر آیینی و عاشورایی وی نشان‌دهنده پیوند عمیق میان ایمان، فرهنگ شیعی و هنر شاعری است. وی به مضامینی چون مدح و مرثیه ائمه معصومین و برخی دیگر از علمای اسلام پرداخته است. که این شخصیت‌ها را نه فقط به عنوان شخصیت‌های تاریخی، بلکه الگوهای اخلاقی، انسانی و ایمانی معرفی می‌شوند. او با خلق تصویرهای زنده، این مفاهیم را به شعور دینی مخاطب منتقل می‌کند. این مقاله به بررسی ویژگی‌های شعر آیینی و تحلیل جایگاه هنری و محتوایی اشعار حسان می‌پردازد و به تأثیر و بازتاب فرایندهای تاریخی و اجتماعی پس از انقلاب در اشعار آیینی و عاشورایی وی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: حبیب‌الله چایچیان، ادبیات آیینی، شعر عاشورایی، مدح و مرثیه‌سرایی ائمه معصومین (ع).

۱. استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودان، دانشگاه آزاد اسلامی، رودان، ایران:

mohadesefarrokh@gmail.com

درآمد

تعیین حد و مرز برای انواع شعر، خصوصاً از نظر محتوایی بسیار دشوار است؛ چنانکه شفیعی کدکنی می‌گوید: «یکی از دشوارترین کارها، تقسیم‌بندی شعر فارسی، از نظر معنا و مضمون است. آنچه به‌عنوان شعر غنائی یا تمثیلی یا حماسی و حکمی و عرفانی معرفی شده، چندان مرزهای متداخل و درهم‌شده‌ای دارد که جز در عالم تعریف و مباحث مجرد و کلی نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد» (شفیعی کدکنی ۱۳۵۰: ۳۰۳).

زندگی، فرهنگ و ادبیات فارسی در بستر و زمینه مذهبی و آیینی جریان یافته و رنگ و بوی خاص گرفته است. در واقع، مذهب تشیع را مذهبی «صاحب اعطای جهت» دانسته‌اند و «زندگی را بی داشتن جهت» باطل شمرده‌اند (حکیمی، بی‌تا: ۹). از این چشم‌انداز می‌توان برای ادبیات آیینی حوزه وسیعی در نظر گرفت و آن را به منزله زمینه‌ای در نظر آورد که بسیار از آثار ادبی در آن شکل گرفته‌اند.

به عبارت دیگر؛ شعر آیینی یا شعر مذهبی به گونه‌ای از شعر متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنوی و محتوایی صبغه کاملاً دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد. مناسبت‌های مذهبی، فرایض دینی، دفاع از اعتقادات مذهبی، شرح و توضیح معارف دین، ستایش بزرگان دینی و توجه به مباحث مذهبی هسته اولیه آن را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر آن دسته از اشعاری که به مقوله‌های قدسی و ملکوتی از قبیل توحید، خداپرستی، توصیف ذات باری تعالی و نیایش و ستایش خداوندی می‌پردازد و یا اشعاری که در قلمرو تزکیه و تهذیب نفس انسانی سروده می‌شود و نیز سروده‌هایی که در مناقب و رثای حضرات معصومین (ع) تحت عنوان شعر ولایی با شاخه‌های شعر نبوی، علوی، فاطمی، عاشورایی، رضوی و مهدوی ساخته می‌شود، شعر آیینی یا مذهبی نام دارد. این نوع شعر از چند ویژگی کلیدی برخوردار است:

- شعر آیینی حول محور مناسبت‌های مذهبی، ستایش چهره‌های دینی، توجه به مقوله‌های قدسی و ملکوتی و تزکیه و تهذیب نفس انسانی می‌گردد.

- این نوع شعر نه تنها بیانگر احساسات فردی شاعر است، بلکه نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دینی و فرهنگی به جامعه ایفا می‌کند.

- شاعران آیینی از شیوه‌های بیان و فرم‌های زیبا و متنوع بهره می‌برند و هنر و زبان ادبی را در خدمت تبیین ارزش‌ها و افکار آیینی قرار می‌دهند.

- شعر آیینی از تاریخ اسلام، فرهنگ عترت و آموزه‌های وحیانی سرچشمه می‌گیرد و به همین دلیل از غنای محتوایی خاصی برخوردار است.

برای ادبیات آیینی سه قلمرو موضوعی و به قرار زیر بر شمرده‌اند: «۱- شعر توحیدی، نیایشی و عرفانی ۲- شعر اخلاقی و پند، اجتماعی، مقاومت، بیداری و دفاع مقدس ۳- شعر ولایی» (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۶).

نکته مهم آنکه سرایش شعر با موضوع اهل بیت از دیرباز در شعر فارسی سابقه داشته است و نمی‌توان آن را به چند دهه اخیر منحصر دانست؛ ولی تولید حجم قابل توجهی شعر با موضوع یکسان و با ویژگیهای زبانی و فنی مشابه و کارکردهای شبیه به یکدیگر، مسئله‌ای است که فقط به سالهای پس از انقلاب بازمی‌گردد و باید گفت در سال‌های اخیر به ژانر شعری مشخصی تبدیل شده است؛ از این رو، شناخت کامل و دقیق این گونه از شعر، امری ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

شعر عاشورایی

شعر عاشورایی معمولاً ذیل عنوان مرثیه‌سرایی دسته‌بندی می‌شود. در مورد تاریخ مرثیه‌سرایی مطالب زیادی نگاشته شده است؛ اما «مطالعه تاریخ شعر فارسی از قدیمی‌ترین ایام تاکنون نشان می‌دهد که شعر مرثیه از زمان رودکی با قصیده‌ای که وی در رثای شهید بلخی (متوفای ۳۲۵ هـ ق) و دیگران سروده، آغاز شده است» (آذر، ۱۳۷۹: ۲).

همچنین شایان ذکر است که مرثیه، همراه با قوال و موضوعاتی دیگر، ذیل ادبیات غنائی محسوب می‌شود. «وصف، مدح، رثا، فخر، هجا و غزل. .. انواعی هستند که همه را تحت عنوان کلی شعر غنائی - به معنی وسیع کلمه - می‌توان درج کرد» (زرین کوب، ۱۳۵۵: ۱۵۵). زرین کوب همچنین از میان انواع مرثیه، یکی را نسبت به دیگر گونه‌ها برتر می‌داند: «در بین مرثیه‌هایی که موضوع آنها نه یک عزیز از دست رفته است نه یک ممدوح گمشده، صادقانه‌ترین انواع، مرثیه مذهبی است. مثل ترکیب‌بند محتشم کاشانی در باب واقعه کربلا که مقلدان بسیار یافته است مخصوصاً در وجود صباحی و وصال و یغما و بهار. این مرثیه به سبب صداقت احساس گویندگان تأثیر قوی دارند و در بعضی موارد نمونه‌ای اعلای مرثیه به شمار تواند آمد» (همان: ۱۷۱ و ۱۷۲).

موضوع شعر عاشورا، مسائل مربوط به قیام الهی امام حسین (ع) و اخبار مبتنی بر شهادت آن حضرت از زمان حضرت آدم تا خاتم و حوادث مرتبط با این نهضت بی نظیر از مکه تا کربلا و از کربلا تا مدینه و مکه است و همانند سایر انواع شعر سنتی در زبان فارسی سبک‌های مختلف، قالب‌های متنوع و اوزان متعدد عروضی دارد؛ علاوه بر این در قلمرو شعر نو و آزاد نیز آثاری ارزنده در موضوع کربلا و عاشورا وجود دارد که از ضوابط خاص خود پیروی می‌کند (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۴۹). بنا به نوع موضوع شعر عاشورایی، آشکار است که باید شعر عاشورایی را در زمره مرثیه مذهبی محسوب کرد و از این حیث مورد بررسی و مذاقه قرار داد. آغاز شعر عاشورایی را باید، همان سال

شهادت امام حسین (ع) و روز عاشورا دانست، چرا که پس از آن واقعه عظیم بود که اشعاری در رثا و منقبت و مدح امام حسین (ع) سروده شد که البته این اشعار به زبان عربی بوده‌اند. البته باید در نظر داشت که همه انواع شعر عاشورایی به یک دسته و نوع تعلق ندارند. به عنوان مثال می‌توان از نوحه‌سرایی نام برد که نوع خاصی از شعر عاشورایی است. پیشینه نوحه‌خوانی و نوحه‌سرایی برای شهدای کربلا ملازم پیشینه سوگواری‌های عاشورایی است؛ از آنجا که مراسم سوگواری با حضور توده‌های مردم صورت می‌گرفت، خواندن اشعار ساده و آهنگین و محزون بهترین وسیله جلب احساسات مردم بود. مرثیه‌خوانان به ناچار باید مرثی‌ای را می‌خواندند که بار عاطفی زیادی داشته باشد و ساده باشد و در نتیجه در شعر به قالب نوحه‌سرایی روی آوردند.

در اینکه شاعران عرب در سرایش شعر عاشورا بر فارسی‌زبانان پیشی گرفته‌اند، جای تردید نیست. «بی‌گمان مرثیه‌سرایی در باب عاشورا با زبان عربی آغاز شده است و با توجه به این نکته که شعر با عرب همزادی و همراهی آشکاری دارد، آغاز سرایش نباید با فاصله چندانی پس از واقعه عاشورا باشد و حتی اگر رجزهای اصحاب را از نوع شعر عاشورایی بدانیم؛ شعر عاشورا با حادثه عاشورا دقیقاً همزاد است» (کافی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

اما قدیمی‌ترین مرثیه مکتوب عاشورایی در ادبیات فارسی را کسایی مروزی - شاعر شیعی قرن چهارم - سروده است؛ از این رو او را پیشکسوت شاعران شیعه مذهب ایرانی و آغازگر شعر مکتوب آیین فارسی شمرده‌اند (صفا، ۱۳۵۵، ج ۱: ۶۸).

با به قدرت رسیدن آل بویه زمینه برای شکوفایی و رواج شعر شیعی فراهم آمد؛ زیرا یکی از شخصیت‌های سیاسی این خاندان یعنی سلطان معزالدوله با تعطیل کردن روز عاشورا زمینه را برای رشد و شکوفایی شعر عاشورایی فراهم آورد البته این مطلب در سرزمین عراق بیشتر از ایران مصداق داشته است.

قابل ذکر است که با گسترش سیاست ضدشیعی از نیمه قرن پنجم تا قرن هفتم هجری شعر عاشورایی فرصت رشد نیافت و لکن «می‌توان گفت از اواخر دوره سلجوقیان که شیعیان آزادی عمل نسبی یافتند زمینه‌های اجتماعی به ویژه از طریق منقبت خوانی برای گسترش شعر عاشورایی فراهم آمد» (امامی، ۱۳۶۹: ۶۰).

قرن‌های ششم تا هشتم هجری را باید دوران تجربه‌های تازه در قلمرو شعر عاشورایی به شمار آورد از مشاهیر شعرای عاشورایی در قرن ششم قوامی رازی، سنایی غزنوی، انوری ابیوردی، جمال‌الدین عبدالرزاق و ظهیر فاریابی می‌باشند. با نیرومند شدن مذهب تشیع در قرن هفتم و هشتم هجری و مذهب غالب شدن آن در ایران زمینه یاد شده تقویت گشت تا آنجا که پس از حمله مغول

و فرو کاستن از تعصبات مذهبی حتی بسیاری از شعرای اهل سنت در مدح اهل بیت و ائمه (ع) به سرودن شعر پرداختند. سیف فرغانی، اوحدی مراغهای، سلمان ساوجی، خواجه کرمانی و ابن یمین فریومدی از شعرای برجسته این دوره‌اند که تجربه‌های مهمی از شعر عاشورایی را از خود به یادگار گذاشتند. عطار نیشابوری، مولوی، کمال اسماعیل اصفهانی نیز در این باره طبع آزمایی نموده‌اند.

پس از استقرار صفویان و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران یعنی قرن دهم هجری به بعد شعر عاشورایی در ایران رونق روز افزون گرفت در این دوره کمتر شاعری را میتوان یافت که قصیده یا ترکیب بند یا ترجیع بندی در ستایش پیامبر اسلام و امامان شیعه (ع) نسروده باشد. محتشم کاشانی را می‌توان مظهر مرثیه‌سرایی در این دوره دانست وی دوازده بند معروف خود را به اقتفای هفت بند حسن کاشی سرود (کرمی، ۱۳۸۹: ۲۴). البته در این دوران شعر عاشورایی به سبک هندی نیز سروده شد؛ چنانکه در قصاید فاخر صائب تبریزی موجود است (همان: ۲۳).

از نیمه قرن دوازدهم که روزگار قاجار آغاز می‌شود یکی از ادوار مهم شعر عاشورایی رقم خورد حوادث و اتفاقاتی که در این دوره به وقوع پیوست اگر چه در زندگی اجتماعی و اقتصادی ایرانیان آثار زیانبار فراوانی بر جای گذاشت اما از آنجا که این حوادث مسیر شعر و ادب فارسی را دگرگون ساخت و فضای شعر فارسی را از محدوده دربار و طبقات خاص خارج کرد. شایسته توجه است در این عصر که صبغه‌ای کاملاً مذهبی داشت، رویکردی محسوس به ارزشهای عاشورایی دیده می‌شود. تغییرات چشمگیری که در اندیشه شاعران این دوره پدید آمد موجب تغییر در ساخت و سبک ادبی این زمان و نیز موجب تغییر اساسی در فضای شعر آئینی از جمله شعر عاشورایی شده است.

با اتصال این دوران به دوره مشروطیت، شعر عاشورائی نیز وارد مرحله جدیدی شد. بدین معنی که ساختار شعر عاشورائی تحت تاثیر شعر مشروطیت و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده، متحول گردید و این تحول قابل توجه را در حوزه زبان، فضای شعر و نیز محتوی و رویکرد جدی به مفاهیم ارزشی تجربه نمود. شعر عاشورایی در این دوره از قالب ماتی و احساسی بیرون آمد و اندک اندک زمینه برای ظهور نوآوری در ادبیات عاشورایی فراهم شد (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۱۲۷).

فراز و فرود شعر آئینی و عاشورایی «نو» قبل از انقلاب اسلامی

نواندیشی‌های دینی و غیردینی در عصر مشروطه و سیاست‌های دین ستیزی نظام‌های پس از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی تحولات عقیدتی عمیقی در جامعه ایرانی به وجود آورد. تحولات عقیدتی به وجود آمده، تأثیرات مستقیمی بر شعر این دوران داشت، به گونه‌ای که در طول تاریخ شعر فارسی برای اولین بار مضامین غیر دینی و درون مایه‌های سوسیالیستی وارد شعر فارسی می‌شد. «شاعران کلاسیک ما هیچ گاه در شرایطی قرار نگرفته بودند که مقالات و دلالات استالینی بر آنها

دمیده شود و اندیشه نجات جمعی و جامعه بی طبقه، چنان آن‌ها را مجذوب و مفتون خود سازد که دین را افیون توده‌ها بدانند و برای مفاهیمی مثل خدا و سرای دیگر اهمیتی قائل نشوند. از سوی دیگر رضاخان نیز صدای شاعران دینداری را که می‌خواستند، از موضع دین به شعر سیاسی بپردازند؛ بکلی در نطفه خفه نموده و از دیگر سو جنبه‌های سیاسی دین را بسیار کم تأثیر و ناکارآمد کرد. در نتیجه سرچشمه‌های سرودن اشعاری را که می‌توانست از بخش سیاسی دین تغذیه شوند بکلی کور کرد. بدین ترتیب در دوره رضا کمترین ادبیات دینی خلق شده و البته اثرات این مسأله را در دوره‌های بعد هم می‌توان مشاهده کرد» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۷۵، ۱۶۳).

شفیعی کدکنی درباره جایگاه مذهب در شعر مشروطه معتقد است که: «شعر مشروطیت، نسبت به دوره قبل، از نظر توجه به مذهب نیز متفاوت است، از دو سوی؛ هم از لحاظ احیای اندیشه تجدد مذهبی و بزرگداشت آن (که برخاسته از تعالیم سیدجمال الدین اسدآبادی بود) و فکر وحدت اسلامی و توجه به ضعف و انحطاط ملل مسلمان و این که همه این عقب‌افتادگی‌ها برخاسته از دوری مسلمانان از واقعیت اسلام است و هم از لحاظ پیدایش اندیشه‌های ضدمذهبی در شعر این عصر که به مناسبت درگیری با خرافات پیوندیافته با مذهب، بعضی شاعران، مذهب را مانع پیشرفت‌های اجتماعی احساس می‌کردند» (شفیعی کدکنی ۱۳۹۰: ۸۹).

همچنین باید اشاره کرد که وقایع روز نیز، در شعر عاشورایی آن دوران تأثیر گذاشت، بدین معنا که «تغییر چشم‌گیری که در ساختار شعر عاشورایی به وجود آمده است تا حد زیادی رهین تطور ساختاری شعر مشروطیت بوده که موجبات تغییر زبان و فضای شعر عاشورا را فراهم ساخته است و از نظر محتوایی و رویکرد جدی به مفاهیم ارزشی نیز، تا حد زیادی مرهون عنایت شعرای این دوره به مقوله‌های مختلف ارزشی است. شعر عاشورا در این دوره از قالب ماتمی و احساسی بیرون آمد و اندک اندک زمینه برای ظهور نوآوری در ادبیات عاشورایی فراهم شد» (مجاهدی ۱۳۷۹: ۱۲۷).

در دوره پهلوی اول «مبارزه با مظاهر دین و منع عزاداری عمومی رشد گرایش به تفکرات غربی و فلسفه‌های جدید و نحله‌های راه یافته به جامعه به خصوص در میان طبقات روشنفکر به همراه ترویج تفکر هنر بدون التزام، سبب شد تا ادبیات از مضامین آیینی کنار بگیرد و باز همان طور که اشاره شد در شعر مذهبی به قصاید یا قطعات مدحی با موضوع حضرت رسول و حضرت امیر«علیهما السلام» بسنده شد و کار شعر عاشورایی به شاعران با توفیق نسبی سپرده شده که معمولاً مرتبه شاعریشان فروتر از ادیبان و شاعران طراز اول بود یا لاقلاً رسانه‌ها و تبلیغات دستگاه آنان را چنان که بودند، نشان نمی‌داد» (کافی، ۱۳۸۸: ۴۶).

با پرچیده شدن بساط دیکتاتوری رضاخان و به وجود آمدن آزادی‌های مقطعی و نسبی در دوره پهلوی دوم، هر چند که جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی فراوانی فعالیت خود را از سر گرفتند؛ اما هنوز پرداختن به مضامین مذهبی بسامد بالایی ندارد. هر چند که ما سال‌ها پیش از این دوره نیز می‌توانیم، نمونه‌هایی از شعر مذهبی را در آثار بهار، ادیب پیشاوری، سید اشرف و... پیدا کنیم؛ با آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در سال (۱۳۴۲ش) و شروع فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی، فصل تازه‌ای در تاریخ مبارزات مردم گشوده می‌شود و برای نخستین بار شاعران و نویسندگان متعهد به عنوان متولیان فرهنگی در عرصه مبارزه با خودکامگی گام بر می‌دارند و با سلاح قلم و زبان شعر به دفاع از شعائر دینی بر می‌آیند. از این زمان به بعد مفاهیم دینی و اعتقادی به طور گسترده در شعر فارسی راه می‌یابد و شعر متعهدانه‌ای که تأثیر خاصی در انتقال مفاهیم دینی و مذهبی به نسل جدید داشت، پس از سالیان سال در کنار سایر جریانات شعری چهره می‌نماید. در طول دوران مبارزه با طاغوت، هویت مذهبی انقلاب و نهضت مردم، موجی وسیع و گسترده از مضامین و واژگان و در بیان کلی‌تر فرهنگ اسلام را به فراخنای شعر می‌کشانند و شعر از باورهای مذهبی و ستایش و یاد کرد از چهره‌های درخشان تاریخ اسلام سرشار می‌شود. احساسات شور انگیز مذهبی در تار و پود شعر تنیده می‌شود و سروده‌ها با بهره‌وری از این اندیشه‌ها و طرح حماسه شکوه‌مند عاشورای حسینی به تهییج و تحریک عواطف می‌پردازد.

به عبارتی دیگر در هر حال حوادث سیاسی و اجتماعی مهمی که در دهه چهل و پنجاه، رخ داد از قبیل آغاز نهضت اسلامی از سال (۱۳۴۲ش) با رهبری امام، قیام پانزده خرداد و شروع مبارزات مسلحانه، موجب شد خلاء شعر جدید فارسی (عدم توجه به باورهای اعتقادی) برای همیشه از بین برود. شعر نوی (نیمایی، آزاد، سپید و موج نو) دین‌گرای متعهدانه‌ای که از دهه چهل به بعد شاهد رشد آن بودیم، امروز برای خود در کنار دیگر جریانات مهم شعری دفتری گشوده است و یکی از شاخه‌های مهم شعر نوی حماسی و اجتماعی به شمار می‌رود.

اما پس از انقلاب اسلامی، حال و هوای شعر فارسی، که پیش از انقلاب اسلامی، بیشتر سکولار و جدای از دین بود، تغییری اساسی کرد. شعرای نوپرداز شروع به سرودن اشعاری با مضامین مذهبی کردند و با توجه به این که پیش از انقلاب، فقط شاعران سنتی، در قالب سنتی، شعر مذهبی می‌سرودند، می‌توان این تغییر را، تغییری اساسی در بنیان شعر معاصر به حساب آورد: «در دوره انقلاب اسلامی، تواناترین و بااستعدادترین شاعران علمداران شعر آیینی بودند و چنین نبود که این موضوع فقط دستمایه شاعران متوسط و کم‌مایه باشد. این کار دیگر نه نشانه تحجر و واپس‌گرایی،

که نشانه تحول و سرزندگی به شمار آمد؛ چون دیگر خود مذهب نشانه تحجر نبود» (کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۰ و ۳۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، باز هم صحنه‌هایی از جنگ حق علیه باطل شکل گرفت و باز هم شاعران را به یاد شهدای دشت کربلا انداخت و باعث شد که این مضامین دوباره در اشعار این دوره شکل گیرد و رونق چشم‌گیری پیدا کند.

شاعران در طول هشت سال دفاع مقدس، به سرودن اشعاری پرداختند که قیام امام حسین (ع) و شهدای آن را در آن توصیف می‌نمودند و تعریضی به شهدای هشت سال دفاع مقدس داشتند. همچنین نوحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی برای امام حسین (ع) در میدان‌های جنگ، رواج بسیاری داشت و همین موضوع منجر به گسترش این نوع از شعر در بین شاعران می‌شد: «قصائد و غزل‌های سال‌های آغازین انقلاب متأثر از حال و هوای اجتماعی آن دوره‌اند. بسیاری از شعرا تلفیق غزل با حماسه را دستمایه کار خود قرار داده‌اند. اتصال این دوره با دوره ادبیات خاص جنگ به تشدید سوگ حماسه‌پردازی‌ها کمک کرده است. آثار شعر این سال‌ها آکنده از اصطلاحات رایج اوضاع خاص اجتماعی است.» (افسری کرمانی، ۱۳۷۶: ۱۰۶)

قیصر امین‌پور که خود از شاعران مذهبی و انقلابی بوده، در مورد جریان کلی مذهبی و ارزشی شعر بعد از انقلاب اسلامی معتقد است که: «معیارهای زیبایی‌شناسی این دوره (دوره انقلاب) بازتاب مستقیم ارزشهای اجتماعی و انقلابی زمانه است، که این ارزشهای اجتماعی نیز به نوبه خود انعکاسی است از بقایای نظام ارزشی کهن و معیارهای ارزشی تازه‌ای که در حال شکل‌گیری است» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۳۸۴).

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که تغییرات فرمی شعر عاشورایی، تحولی مهم در این زمینه بوده است؛ چرا که شعر عاشورایی، پیش از دوره معاصر، به‌عنوان نوعی سنت‌گرایی و توجه به تاریخ و گذشته مورد توجه بوده است، در حالی که در دوره معاصر، نگاهی متفاوت به شعر عاشورایی به وجود می‌آید که آن را به شعر امروز و نیز جامعه و جهان‌بینی امروزی پیوند می‌زند. این تغییر و تحولات باعث می‌شود که شاعران عاشورایی دریابند که باید، مخاطب تحصیل‌کرده و امروزی خود را نیز مورد توجه قرار داده و با پرهیز از بسته نگه داشتن قالب‌های شعری، از پویایی آن جلوگیری نکند.

اما انقلاب مقدس اسلامی به دلیل پیوند با فرهنگ عاشورا، با شور و گستردگی و ژرفای بیشتر به این موضوع پرداخت؛ انقلابی که خود محصول کربلاست و ریشه در خون زلال کربلا دارد. انقلابی

که از محرم بالندگی و شکوفایی یافت، باید عاشورا و کربلا را ارج بگذارد و همه مظاهر و شعائر این فرهنگ را ترویج کند (سنگری، ۱۳۷۹: ۱۵).

اغراض شعر عاشورایی

اشعار عاشورایی در عصر معاصر، دارای اغراض منحصر به فردی است که مهمترین آنان عبارتند از:

۱. رثا: رثا یکی از صادق ترین اغراض شعری به حساب می آید چرا که از دل های سوخته و عواطف سرشار سرچشمه گرفته است. مهمترین مشخصه رثا را ذکر فقدان محبوب، شمارش فضایل او، تن به تقدیر سپردن، و در نهایت شکایت از جور دوران دانسته اند (ابوناجی، ۱۴۰۲: ۱۱). در راستای تحول رثا در اشعار عاشورایی از شعر کلاسیک تا شعر معاصر، به عنصر حماسه و ایستادگی برمی خوریم که جزء جدانشدنی حماسه ادبیات عاشورایی معاصر است و این نقطه، مرز بارز رثای قدیم و جدید است.

۲. هجو: حادثه عاشورا به گونه ای است که از یک سو احساس و عاطفه صادقانه را به سوی خود می کشاند و از طرفی دیگر، نسبت به خاندان بنی امیه طراحان و بنیان شهادت امام حسین (ع) ابراز نفرت می کند، بیزاری در قالب هجو ظهور می یابد.

تحول عمده در شیوه هجو نسبت به قرون گذشته، تغییر جهت نوک تیز حمله از بنی امیه و اشاره رفتن آن به سوی حاکمان جور زمان است، بنیامیه در ادب معاصر به تاریخ اموی محدود نمی شود؛ بلکه نمادی از حاکمیت ظلم و ستم است که مورد هجو و حمله شاعران معاصر بوده است.

۳. حماسه: این فن در تاریخ شعر عربی به بیان قدرت رزم آوری و توانایی های مادی و بدنی جنگاوران می پردازد. آنچه شعر عاشورایی را متمایز می سازد، نوعی ارزش گذاری و جهت گیری معنوی است که لباس فاخری را بر تن حماسه نمایان می سازد و بیش از آنکه به وصف جنگاوری و شرح کارزار پردازد به شرح همت های بلند و عظمت های روحی حماسه سازان عاشورا می کند.

۴. مدح: «مدح در شعر حسینی از اخلاص و عشق شاعر سرچشمه گرفته و به هدف کسب و طمع برای برانگیختن توجه حاکمان نبوده است و اگر در دوره های پیشین، این فن به امید اجر و ثواب اخروی شیوع یافته بود، در عصر حاضر درصد کمی از شاعران به این انگیزه توجه کرده اند از این رو مدح معاصر در شعر عاشورایی، برگرفته از عمق احساس شاعر است» (خزعلی، ۱۳۸۴: ۱۲۱) و به انگیزه الگوسازی، نمادپردازی و تبلیغ روح مبارزه و آزادیخواهی سروده شده است.

در این جستار با در نظر گرفتن ویژگی های شعر آیینی و عاشورایی به بررسی یکی از موفق ترین و برجسته ترین شاعران معاصر ایران، یعنی حبیب الله چایچیان، خواهیم پرداخت و به تاثیر و بازتاب

فرآیند تاریخی و اجتماعی پس از انقلاب در اشعار آیینی و عاشورایی حبیب الله چایچیان پرداخته می شود.

حبیب الله چایچیان

حبیب الله چایچیان متخلص به «حسان»، فرزند محمدحسین و متولد سال (۱۳۰۲) در تبریز است. شش ساله بود که همراه خانواده اش به تهران مهاجرت کرد. نخستین شعر خود را در پانزده سالگی سرود. پس از اولین سفرش به کربلا، طبع شعر خود را وقف چهارده معصوم (علیهم السلام) کرد. چایچیان تحصیلات خود را در تهران در مدرسه ایران و آلمان به پایان رساند، سپس به استخدام بانک ملی ایران درآمد. وی یکی از بااخلاص ترین شاعران اهل بیت (ع) بوده است که بیش از نیم قرن عمر خود را صرف سرودن اشعاری با مضامین آیینی کرده است او از محضر علامه امینی و علامه عسکری بهره برد و علامه امینی در نامه هایی که به او می فرستاد، وی را «شاعر اهل بیت» خطاب می کرد.

او از سال های جوانی اندیشه و شعرش را با یاد و خاطره ائمه اطهار به ویژه امام حسین (ع) متبرک کرده است. از وی تاکنون آثار متعددی با عناوین: خزان گلریز، باغستان عشق، سایه های غم، ای اشک ها بریزید (ج اول دیوان)، خلوتگاه راز (ج دوم دیوان، زینب بانوی قهرمان کربلا (ترجمه)، بنال ای نی، الله اکبر، ندای برتر، فاطمه الزهرا (تقریرات علامه امینی) و چهل حدیث جالب از علی بن ابیطالب (ع) به چاپ رسیده است. مجموعه «ای اشکها بریزید» در مدح و مرثیاتی اهل بیت سروده شده است. مضامین بیشتر اشعار او عبارتند از: شروع حرکت امام حسین (ع)، وداع امام از مدینه، یاران امام، حسین رهبر امروز و کشته دیروز، خاندان امام، اصحاب امام، آزادی، مهلت خواستن شب عاشورا، تسلیم ناپذیری در برابر ظالمان و مرثیه در غم امام حسین (صنوبری، ۱۳۹۶: ۸۰).

اشعار چایچیان بیشتر در حوزه اشعار آیینی و مذهبی شیعی بوده و بیشتر در قالب دوبیتی سراییده شده است. «امشب شهادت نامه عشاق امضا می شود» در خصوص شب عاشورا و واقعه کربلا و «آدم آدم ای شاه پناهم بده» در مدح امام رضا از سروده های معروف این شاعر بود.

نخستین شعری که سرود در ۱۵ سالگی و در رثای پدرش بود.

پدرم رخت از این جهان بر بست کمرم از غم و محن بشکست
می کنم لیک شکر یزدان را گر پدر نیست باز مادر هست

(چایچیان، ۱۳۶۸: ۵)

چایچیان با تشویق مادرش به سرودن اشعار در مدح و مرثیه ائمه پرداخت. وی پس از سفر به کربلا فقط به سرودن مدح های آل علی (ع) پرداخت و آثار دیگرش را در آتش افکند. اشعارش مورد توجه جامعه مذهبی ایران و پارسی زبانان است و در جمع عزاداران عاشورایی زمزمه میشود. به گفته

خود مرحوم چایچیان، زمانی که علامه امینی در نجف ساکن بوده است، نامه هایی به او میفرستاده و او را شاعر اهل بیت خطاب می کرده است (محمدزاده، ۱۳۸۶: ج ۲/ ۱۲۱۶).
علامه امینی از کسانی است که چایچیان را مورد تحسین و تشویق قرار داد. وسیله آشنایی وی با علامه امینی شعری بود که از زبان عباس بن علی در شب عاشورا خطاب به امام حسین (ع) سروده است.

دوست دارم شمع باشم تا که خود تنها بسوزم
بر سر بالینت امشب از غم فردا بسوزم

دوست دارم هاله باشم تا ببوسم روی ماهت
یا شوم پروانه، از شوق تو بی پروا بسوزم...

حبیب الله چایچیان وقتی به یاری اسلام و شعر اسلامی و شیعی آمد که اسلام و اندیشه های معنوی در اوج غربت بودند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در روزگاری که مدیریت فرهنگی جامعه مستقیماً در دست اسرائیلیها و بهایی ها بود شاعر اهل بیت بودن، نه تنها اعتبار و شهرت و ثروت و احترام خاصی به همراه نداشت، بلکه شاید جرم هم تلقی میشد. زنده یاد حسان از آن دوران با صدای گرم و گیرای خود پرچم عشق به خاندان پیامبر و شعر آیینی را بلند کرد. آنچه موجب پیشرفت او در شعر و نیز شهرت آثارش بود، نه تبلیغات رسانه ها نه تربیونهای رنگارنگ و نه حمایت روشنفکران که اخلاص او در نیت و عشق ورزی بی شایبه این بزرگ مرد به خدا و خاندانش بود. چنین بود که در آن روزگار سطر درخشان: (امشب شهادتنامه عشاق امضا می شود/ فردا زخون عاشقان، این دشت دریا می شود).

این شاعر تمام هیئت های مذهبی را در نوردید و در روزگار ما یکی از ساده ترین شعرهای این شاعر به خاطر دل شکستگی و خلوص لحظه سرایش و اراده به گفتن زبان حال مادر رنجور و سالخورده اش در آخرین زیارت تبدیل می شود به فراگیرترین نوای مذهبی روزگار:

حسان از سرآمدان شعر آیینی و مذهبی عصر خود محسوب می شود و اشعاری مانند «امشب شهادتنامه عشاق امضا می شود» و «آدم ای شاه پناهم بده» از معروف ترین آثار او هستند.

چایچیان از شاعران موثر در سرودن شعر فاطمی در دهه ۶۰ نیز می باشد. شعر فاطمی، یکی از انواع اشعار آیینی است که به شناساندن سیره حضرت فاطمه (س) و بیان حوادث زندگی ایشان می پردازد. این مقوله هرچند در دوره های گذشته ادبیات فارسی نیز سروده می شده؛ اما تا قبل از پیروزی

انقلاب اسلامی چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. مضامین شعر فاطمی تا قبل از این زمان بسیار کلی و بیشتر درباره شهادت حضرت زهرا(س) بود. با تغییر فضای سیاسی جامعه ایران در سالهای پایانی دهه پنجاه، فرهنگ اسلامی در همه عرصه‌ها و از جمله در ادبیات و شعر تاثیر گذاشت و در نتیجه شاعران انقلاب اسلامی با تکیه بر اندیشه‌های دینی خود به سرودن اشعار آیینی پرداختند. در سالهای دفاع مقدس نیز شاعران برجسته دهه ۶۰ در کنار پرداختن به مضامین متناسب با روزهای جنگ و حماسه، توجه ویژه‌ای به شعر آیینی و از انواع آن شعر فاطمی داشته‌اند. به همین دلیل دهه ۶۰ نقطه آغاز تقویت شعر دینی و شعر فاطمی در عصر جدید است. به علاوه، شاعران معاصر سعی کرده‌اند با پرداختن به زوایای مختلف زندگی ایشان، برای شناساندن سیره ممتاز این بانوی بی‌بدیل گامی بلند بردارند. احمد عزیزی از شاعران متعهد انقلاب است که با خلق آثار متعدد به تقویت شعر آیینی و بکارگیری مضامین نو در شعر فاطمی نام خود را با این مقوله شعری پیوند داده است (حیدری، ۲۰: ۱۳۹۴)

وی سرانجام در ۹ آذر ۱۳۹۶ درگذشت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد. رهبر معظم انقلاب در پیامی درگذشت او را تسلیت گفتند. حبیب الله چایچیان با توجه به سبک آیینی و مذهبی خاص خود تاثیر شگرفی بر اذهان مردم از لحاظ دینی گذاشته و این مقوله بر کسی پوشیده نیست. یکی از مهم ترین مضامین و اغراض شعر ولایی مدح و منقبت حضرت رسول اکرم(ص) و ائمه اطهار است. دیوان حسان مملو از منقبت‌های این بزرگواران است. حسان در هر مدحی که برای ائمه اطهار سروده است، ویژگی‌ها و سرگذشت مربوط به آن امام را بیان کرده است.

مدح حضرت رسول اکرم (ص)

حضرت رسول اکرم (ص) سبب و علت وجود آفرینش است:

ای پرچم تو به بام افلاک ای تکیه تو به تخت «لولاک» (چایچیان، ۱۳۶۸: ۱۵)

یا در بیت ذیل که این حدیث را به صورت کامل آورده است:

فرمود خدا چو آفریدت لولاک لما خلقت الافلاک (همان: ۱۵)

این حدیث اشاره به این نکته است که اگر آفرینشی در کار است به خاطر وجود آن حضرت است. البته در برخی از منابع به صورت گسترش یافته‌ای نیز آمده است. از جمله: «... و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما» (نمازی، ۱۴۰۱، ج ۳: ص ۱۶۸ و ۱۶۹) و نیز: «فلولاکم ما خلقت الدنيا و الآخره و لا الجنة و النار» (همان: ۱۶۷).

چایچیان در هر شعری که در مدح حضرت رسول (ص) سروده است، به این موضوع اشاره کرده

است:

ملک جهان را پلاک خود زده لولاک چون دو جهان شد بنا برای محمد (ص)
(چایچیان، ۱۳۶۸: ۱۶)

حضرت رسول (ص) شفیع عالمیان است:

پشت و پناه و شفیع عالمیان اوست چون به خدا هست اتکای محمد (همان: ۱۶)
یا در بیت ذیل:

اکنون حسان به مهر محمد و آل او درمانده روز جزا را تو چاره کن (همان: ۱۴)
وجود حضرت رسول (ص)، نورانی است و لذا سایه ندارد:

سایه ندارد ولی تمام خلایق سایه نشینند در جوار محمد(ص)
سایه ندارد ولی به عالم امکان سایه فکندهاست اقتدار محمد (ص)
(همان: ۱۸)

درباره سایه نداشتن پیامبر اکرم (ص)، جستجوی نگارنده در منابع حدیث نشان می دهد که ابن سیع در کتاب خصائص گفته است: «سایه رسول خدا بر زمین نمایان نمیشد، وجود مبارک رسول خدا نور بود و هنگامی که در زیر نور خورشید یا ماه راه می رفت، سایه اش ظاهر نمی شد. برخی از علما می گویند شاهد این قول دعای خود پیامبر (ص) است که می فرماید: "واجعلنی نورا" (بخاری، ۱۳۹۱، ج ۱۱: ۱۱۶).

مدح امیرالمومنین، حضرت علی (ع)

یکی از مضامین و موتیف های شعر چایچیان در مورد حضرت علی (ع) تولد او در کعبه است:
در قبله گه راز فرود آمد ماه یا شد حرم کعبه سراپرده شاه
از کثرت اشتیاق دیوار شکافت تا اینکه ره وصال گردد کوتاه
(چایچیان، ۱۳۶۸: ۲۹)

امام علی (ع)، قسمت کننده (قسیم) بهشت و دوزخ است:

قسیم نار و جنتش ترازوی محبتش که مومنان خویش را ز کافران جدا کند
(همان: ۳۳)

در روایتی از مُفَضَّل بن عمر نقل شده است که می گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم به چه علت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب «قسیم الجنة و النار» گفته شده است؟ حضرت فرمودند: به خاطر اینکه دوست داشتن او ایمان و دشمن داشتن او کفر است، و همانا بهشت برای اهل ایمان آفریده شده است و جهنم برای اهل کفر خلق شده است پس او به این علت قسیم الجنة و النار است. بنابراین

در بهشت وارد نمی‌شود مگر اهل محبت و دوستی با او و وارد آتش نمی‌شود مگر اهل دشمنی با او»
(ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۲).

علی (ع)، شفیع و گره گشای مشکلات شیعیان است:

حسان بگیر دامنش، قسم به حق محسنش گره گشای انبیا حوائجت روا کند
(چایچیان، ۱۳۶۸: ۳۴)

علی (ع) نمودار انسان کامل است:

علی است فرد نمودار کامل خلقت که عقل در عجب از خالق یگانه اوست
(همان: ۳۶)

علی (ع)، باب شهر علم و دانش است: (یکی از مضامین تکراری دیوان حسان است).

بی ولای تو نماز هیچکس معراج نیست شهر علم احمدی را غیر تو منهاج نیست
(چایچیان، ۱۳۶۸: ۳۹)

علی (ع) نقطه پرگار عشق خداوندی است:

قلب همه خوبان همه دیوانه اوست عشق را نقطه پرگار علی بود علی
(همان: ۴۰)

علی (ع) جانشین بر حق رسول اکرم (ص) از جانب خداوند (در غدیر خم) است:

تاج فرمانداری الیوم اکملت لکم زینت فرق تو شد از جانب پروردگار
(همان: ۴۵)

برحق بودن جانشینی علی (ع) که در واقعه غدیر خم روی داده است بسامد فراوانی در اشعار حسان دارد. او در شعر «پایگاه دانش» به صورت مفصل این اتفاق را شرح کرده است:

در غدیر خم که نام برکه ای است داد احمد را خدا فرمان ایست
کای نبی اینجا غدیر خم بود آب آن هر قطره یک قلمز بود... بار الها
پس پیمبر وال من والاه گفت عاد من عاداه گفت...
از «امینی» عالم شیرین بیان طبع من الهام میگیرد حسان
(همان: ۵۲)

علی (ع) مظهر صبر الهی و نماد مظلومیت تاریخ است:

چون علی در عالم خلقت کسی مظلوم نیست هیچکس مانند او از حق خود محروم نیست
غصه های او عیان از گفته های وی که گفت زندگی جز استخوانی مانده در حلقوم نیست
(چایچیان، ۱۳۶۸: ۵۸)

استخوان در گلو ماندن تعبیری است که آن امام بزرگوار در خطبه شفشقیه فرموده بودند: «فَرَأَيْتُ
أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحَبَّيْ فَصَبَرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَذَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا حَتَّى مَضَى الْأَوَّلُ
لِسَبِيلِهِ فَأَدْلِي بِهَا إِلَى قُلَانٍ ...» (دشتی، ۱۳۸۶: ۵۰).

مدح حضرت زهرا (س)

یکی از شخصیت‌های گرانسنگی که در دیوان حسان دیده می شود و نقش بسیار بزرگی در غنای
اشعار و لطافت آن دارد، حضرت زهرا (س) است. مظلومیت و تقدس این شخصیت بزرگوار از بن
مایه های اندیشگی در دیوان اشعار حسان است.

فاطمه (س) «بِضْعَةٍ» رسول اکرم (ص) است: (فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي).
گفت احمد (بضعه منی) به زهرا بارها تا نماید هر دو را هم جان و هم پیکر یکیست

(همان: ۸۲)

فاطمه (س) کسی است که رسول اکرم (ص) او را (امّ اب) یعنی مادر پدر خوانده است:
ای قلب مصطفی و علی ای جمال حق غیر از تو کیست تا به پدر اب شود؟

(همان: ۸۰)

حضرت زهرا (س)، عصمت حق و تاج سر خاندان عصمت و طهارت است:

عصمت کبرای حق محبوبه داور یکیست پنج تن آل عبا را مرکز و محور یکیست
در میان چارده تن فاطمه یکتا بود سیزده سلطان دین را جمله تاج سر یکیست

(همان: ۸۲)

مدح امام حسین (ع)

با توجه به اشعار حسان می توان گفت که بیشترین حجم دیوان اشعار او را مدح و مرثیه امام
حسین (ع) در بر می گیرد. حسان از ابتدای تولد امام حسین (ع) تا زمان شهادت و حتی بعد از شهادت
را در شعر خویش روایت کرده است. او در این مدایح و در این مرثی، از هیچ واقعه تاریخی [هرچند
تحریف هم باشد]، چشم پوشی نکرده است. لذا مهمترین مضامینی که در شعر او و مهم ترین سطح
فکری که حسان درباره امام حسین (ع) بیان میکند به شرح ذیل است:

امام حسین (ع)، همان «ذبح عظیم» است:

حرمت ذبح عظیم کربلا بنگر حسان خونبهای همچو ذات کربلا دارد حسین

(همان: ۱۳۳)

البته یادآوری این نکته ضروری است که این غزل تحت تاثیر شعر بسیار زیبای شهریار تبریزی
سروده شده است و در این بیت نیز الگوی شهریار را مد نظر داشته است:

می برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم بیش از اینها حرمت کوی منا دارد حسین
(شهریار، ۱۳۴، ج: ۳۸۰)

آیه قران کریم بدین صورت است: وَقَدْ يَنَافُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ (سوره صافات، آیه ۱۰۷).
امام حسین (ع) هادی گمشدگان است:

هادی گمشدگان طلعت نورافکن اوست بگذرگاه جهان راهنما می آید
(همان: ۱۴۳)

امام حسین (ع) کسی است که همه کس او را تنها گذاشتند، از این روی مظهر تنهایی است:
ای حسین ای مظهر تنهایی ذات احد ای که الله الصمد را آتی اندر زمین
(همان: ۱۶۸)

به خاطر همین تنهایی است که ندای آن حضرت با عبارت «هل من ناصر ينصرني» در گوش تاریخ
مانده است. یکی از مضامین اصلی حسان نیز اشاره به این عبارت است:
شکست آنگاه دلها در حقیقت که هل من ناصر شه را قرین شد
(همان: ۱۷۰)

مدح عباس بن علی (ع)

شیعیان علاقه و محبت بسیار فراوانی به این شخصیت مقدس اسلامی دارند و هر نکته ای از
زندگی او را فدا شده و لایتمداری او می دانند. در فرهنگ شیعه، وفاداری، شجاعت، برادری، دلسوزی،
رافت و بسیاری از اخلاق های نیک و صفات انسان کامل در شخصیت عباس (ع) دیده می شود.
مهمترین مضامین مربوط به عباس (ع) به ترتیب ذیل است:
عباس (ع) همه چیزی را در راه امام زمان خویش داده است:

به پیش چون تو دریایی سراپم می توان گفتن سراپا دیده شوقم حبابم می توان گفتن
(همان: ۲۰۴)

جز خدمت برادر نبوده رای عباس هر گه که در ضمیرش فکری خطور کرده
عباس (ع) نماد غیرت است:

غیرتم گاه نهیم زند از جا برخیز لیک فرمان مطاع تو شود پاگیرم
(همان: ۲۱۰)

هیچ کس از درگه عباس (ع) نومید نمی گردد:
نومید نگرده کسی از درگه عباس اینجا که حسان باب مراد است نشستم
(همان: ۲۲۱)

مدح امام زمان (عج) و شعر انتظار

یکی از پربسامدترین مضامین اشعار حسان راجع به امام عصر (عج) می باشد. حسان تمامی ویژگی های امامان معصوم را برای او بر می شمارد و او را انسان کامل مینامد که زمین و زمان منتظر ظهور ایشان است. حسان اعتقاد دارد که، حاصل دعوت محمد (ص)، رهبر فاتح، افتخار دین، عشق حسینی داشتن، مناجاتهای شبانه کردن، رافت رضوی داشتن، عالم بودن (همچون نیاکان معصوم خود)، زهد و ورع (همانند نیاکان معصوم و سایر امامان) و ... از ویژگیهای امام عصر (عج) می باشد. خلاصه مضامین حسان درباره امام عصر (عج) چنین است:

اوست	سلطان	عالم	امکان	لطف	سزدان	و	سایه	رحمان
غضبش	آتش	جهیم	افروز	مهر	او	جنتی	است	جاویدان...
قائم	و	منتظر	ولی	خدا	خاتم	الاولیاء	امام	زمان
اوج	سیمرغ	قاف	قرآن	را	نرسد	فکر	کوته	تو
حسان								

(همان: ۳۵۹)

نمونه هایی از شعر انتظار:

حضرت حجت که ولی خداست	خلقتش از شرک و ضلالت جداست
طلعت او چشمه نور هدی است	مقدم پرشوکت او غمزداست
کی رسد از راه امام زمان	مهدی موعود و امید جهان...

(چایچیان، ۱۳۹۰:

(۱۵۲)

چرا ز کوی عاشقان دگر گذر نمی کنی چه شد که هر چه خوانمت به من نظر نمی کنی؟
نشسته ام به راه تو به عشق یک نگاه تو ز پیش چشم خسته ام چرا گذر نمی کنی؟
(همان: ۱۵۴)

چنانکه گفتیم؛ مفهوم صبر و انتظار و ابراز علاقه به امام عصر (عج) از مهم ترین مضامین این شعر است:

بار الها منزل آن دلبر یکتا کجاست؟ آنکه سوزاند غم هجران او دلها
کجاست؟
از غم جانکاه او دیگر ز پا افتاده ایم آنکه عالم از وجود او بود برپا کجاست؟
(همان: ۱۵۶)

مرثیه

حنا الفاخوری درباب مرثیه می گوید: «رثاء در لغت، گریستن بر مرده، همراه با ذکر محاسن و خوبی و سخن گفتن از دیگر محامد و خوبی های شخص یا اشخاص متوفا است و در ادب عرب، به معنی گریه بر مرده و تشییع جنازه در نزد عرب بیاباننشین به کار رفته و این در حالی بوده است که خویشان و بستگان او همگی به دنبال جنازه او به حرکت درمی آمده اند و زنان در ماتم او نوحه و زاری میکرده اند، خاک و خاکستر بر سر و روی می ریخته اند و گریبان چاک می کرده اند و با صدای بلند محاسن او را ذکر می کرده اند و این رثا را با مدح و تهدید و خونخواهی در موارد احتمالی همراه می ساخته اند» (الفاخوری، ۱۴۲۷: ۱۶۴).

بی گمان در کنار تغزل های عاشقانه و عارفانه، پر عاطفه و بی آرایش ترین نوع شعر فارسی، مرثی و منظومه هایی با موضوع سوگواری هستند که همچون گوهرهایی گرانبها و ارزشمند در گنجینه ادب فارسی نهفته اند؛ «چه، داعیه سرودن مرثی نه از روی چشمداشت مادی و زیاده خواهی و خواست جاه و مقام است بلکه از دل سوخته و مصیبت زده شاعر و از تأثیرات و تألمات روحی سرچشمه میگیرد و همیشه تازگی خود را دارد و چون از دل برمی خیزد، لاجرم بر دل نشیند. در ادبیات فارسی، کمتر شاعر و گوینده را سراغ داریم که ناخواسته و دلشکسته، بدین شیوه طبع خود را نیازموده باشد» (افسری کرمانی، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۰).

تنوع مرثیه در دیوان اشعار حسان یکی از مشخصات فکری اوست و بیش از نود درصد اشعار او را دربر گرفته است. تقریباً می توان به ندرت شعری را در دیوان او جستجو کرد که به نوعی در غم و اندوه شهادت امام حسین (ع) مطلبی نگفته باشد. لذا به نظر نگارنده، در کنار مدح ائمه و برشمردن فضایل آنان، مرثیه سرایی موضوعی است که سراسر دیوان او را در بر گرفته است. لذا با توجه به تنوع مرثی در دیوان او، به بررسی مرثی مهم ترین شخصیت های اشعار وی خواهیم پرداخت.

مرثیه حضرت رسول اکرم (ص)

چایچیان در شهادت حضرت رسول اکرم (ص) اشعار متعددی سروده است که به نظر نگارنده یکی از مهم ترین و بهترین این اشعار که با وصف طبیعت خزانزده همراه است، شعر «خزان امسال» است. ابتدای این شعر با وصف طبیعت آغاز می شود:

آسمان غرق به خون از شفق تنگ غروب روشنی کشته و خونین شده در چنگ غروب
پرده شهپر مرغان زند آهنگ غروب دل سودازدگان هم شده هم رنگ غروب
یک جهان خاطره می آورد احوال خزان

و با مرثیه پیامبر اکرم (ص) تمام میشود:

نه فقط گشته خزان باغ طبیعت امروز بل خزان شد گل گلزار نبوت امروز
هم خزان است قلوب همه امت امروز صفر و آذر عجب کرده قیامت امروز
چه غم افزاست حسان نوحه امسال خزان (چایچیان، ۱۳۶۸: ۲۷)

مرثیه امام علی (ع)

یکی از مضامین دیوان چایچیان مرثیه سرایی و ترسیم سیمای آن امام بزرگوار در بستر بیماری است. حسان با استفاده از مرثیه، بسیاری از اعتقادات خود را بیان می کند و سیمای اما اول شیعیان را ترسیم نمی نماید. در شعر «آیینۀ خدانما»، حسان به صورت توصیفی، تصویری از امام را در بستر بیماری نشان می دهد:

امشب در خانه علی را یک جانی نابکار بسته
سر رشته نظم عالمی را یک ضربت ناروا گسسته
در بستر احتضار حیدر از غصه روزگار رسته...

(همان: ۶۱)

چنانکه گفته شد، برای نوع ادبی مرثیه زبانی توصیفی و ساده بهتر است، چرا که شاعر از اعماق وجود متالم است و فرصت اندیشیدن و یا نای اندیشیدن را ندارد تا شعر خویش را به صنایع ادبی بیاراید. شعر فوق که از عنصر توصیفی بهره برده است به ساده ترین و زیباترین شکل، تصویری از زمان احتضار آن حضرت را نشان می دهد.

یکی دیگر از اشعار حسان، قبله ایمان نام دارد که با ردیف «می لرزد» سروده شده است. این غزل نشان دهنده احتضار امام علی (ع) و زمان شهادت ایشان است:

ماه منشق شده آقا که سما میلرزد یا ز هول گنهی چرخ دغا می لرزد
عمر دنیا به سر آمد مگر امشب یارب که ز طوفان بلا ملک بقا می لرزد
لرزه افتاده عجب بر همه ذرات وجود شمع خلقت مگر از باد فنا می لرزد

(همان: ۶۴)

یکی از مهمترین موضوعاتی که چایچیان در مرثیه مطرح می کند اشاره ای است به جمله معروف آن حضرت که در زمان ضربت خوردن فرموده‌اند: «فُزْتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ»
سیمرغ عشق از قفس آزاد گشت آری قسم به کعبه علی کامیاب شد

(همان: ۶۵)

مرثیه حضرت فاطمه (س)

یکی از پربسامدترین مضامین فکری حسان پرداختن به رنج ها و مظلومیت های حضرت زهرا (س) است. از آنجایی که شیعیان علاقه و محبت بسیار ویژه ای به این شخصیت مقدس و عزیز دارند، هر صحبتی از مرثیه ایشان مایه اندوه آنان میشود. حال اگر این مرثیه توأم با تلمیحات به مظلومیت های ایشان باشد، گیراتر و تاثیرگذارتر خواهد بود. حسان نیز در مجموعه اشعار خود به بسیاری از مظلومیتها و رنجهای آن حضرت، چه قبل از شهادت و چه بعد از شهادت اشاره کرده است. مهمترین این مضامین به شرح ذیل است:

حريم و خانه حضرت زهرا (س) توسط معاندین شکسته شد و به آتش کشیده شد:
افسوس که حرمت شکستند افسوس که خاطر تو خستند
هنگام دفاع از حریمت یک عده به خانه ها نشستند
بر خانه تو هجوم بردند باب حرم خدا شکستند
آداب حرم چگونه دانند آنان که ز حب جاه مستند
آتش چو زدند بر سرایت کردی تو خود از علی حمایت
(همان: ۷۸)

شهید شدن فرزند حضرت زهرا (س) به نام محسن در هجوم معاندین:
میان آن در و دیوار خونین ز داغ محسنش زهرا فغان کرد
(همان: ۸۶)

مخفی ماندن محل قبر ایشان به دلیل ترس از هتک حرمت و کینه معاندین:
بماند قدر و مقامش چو قبر او مخفی که او بزرگتر از این جهان کوچک بود
(همان: ۸۹)

شکسته شدن پهلوی آن حضرت در هنگام هجوم معاندین به خانه حضرت:
در حرم مصطفی آتشی افروختند قصه اهل حرم از در و دیوار پرس
شد نفس فاطمه در قفس سینه تنگ مختصر این ماجرا از لب مسمار پرس
و در دوبیتی ذیل:

سینه اش بویید پیغمبر که مینوی من است
فاطمه هم فکر و هم سیما و هم خوی من است
یاد از بشکستن پهلوی او چون کرد، گفت

بضعه من روح ما بین دو پهلوی من است (همان: ۹۲)

همچنین شعر «آتش در حرم» (همان: ص ۹۳)، گزارشی عاطفی و شاعرانه از این اتفاق دردناک تاریخی است که حسان با توجه به منابع اسلامی و تاریخی آن را شرح کرده است. یکی از نوآوری های حسان در عرصهٔ مرثیه، سرایش اشعاری است که به اصطلاح «زبان حال» گفته می شود. بدین معنی که از زبان شخصی دیگری، مرثیه ای برای عزیز از دست رفته گفته می شود. از نخستین این نوع مرثیه، زبان حال امام علی (ع) در شهادت حضرت فاطمه (س) است. در اشعار، علی و خلوت شب، علی گریان است، ترانهٔ غم و ناله های علی، این نوع زبان حال سرایی را میبینیم. در این اشعار، حال و روز امام علی (ع) را در دوری از او میبینیم. این نوع اشعار به دلیل اینکه از نزدیک ترین شخص سروده میشود، غنای عاطفی بیشتری دارد. برای نمونه:

ز کجا بجویمت من ز که پرسمت نشانه	ز فراقت آتش غم کشد از دلم زبانه
تو گلی و من چو مرغی ز خزان جان گدازت	به فغان و آه و زاری به لبم بود ترانه
به کدام حسرت آخر کشم آه و اشک ریزم	که غمت بود چو دریای عمیق بیکرانه

(همان: ۹۹)

مرثیه امام حسین (ع)

به نظر نگارنده، مهمترین و اصلی ترین و بیشترین مضامین فکری دیوان اشعار حسان پرداختن به مرثیهٔ امام حسین (ع) است. این مرثیه به صورت روایی از ابتدای حرکت ایشان تا شهادت ایشان و اسیرشدن خانوان عصمت و طهارت و سرانجام آنهاست.

روایت شهادت امام حسین (ع) با وداع از شهر مدینه از شعر «خداحافظ ای شهر پیغمبر» شروع می شود:

شهر مدینه جان خود را از دست داده است	چون کاروان عشق به راه افتاده است
دیگر حسین بار سفر بسته می رود	سلطان عشق دل به شهادت نهاده است

(همان: ۱۵۲)

بعد از وداع از شهر مدینه، امام حسین (ع) با کعبه نیز وداع می کند:

حسین امشب بود مهمان کعبه	جدا گردد ز کعبه جان کعبه
نماند مروه را دیگر صفایی	شود خالی ز فرزندان کعبه

(همان: ۱۵۴)

در شعر «دور از تو»، مسلم بن عقیل را میبینیم که قبل از ورود امام حسین (ع) به کربلا، دچار دورویی کوفیان شده است:

انتظارم می کشد یادی ز ما کن یا حسین درد هجران را به وصل خود دوا کن یا حسین

(همان: ۱۵۵)

و این دوبیتی از زبان مسلم بن عقیل:
افسوس نشد که در کنارم باشی تا مونس قلب جان سپارم باشی
صید تو شدم ولی نشد قسمت من من جان دهم و تو در کنارم باشی

(همان: ۱۵۶)

در شعر «در راه کربلا»، کاروان امام حسین (ع) در راه کربلاست:
شاه سوی کربلا آید همی بوی خون از دشت ها آید همی
کربلا دام بلا و ماتم است صید بین بوی بلا آید همی

(همان: ۱۶۰)

قبل از ورود به خاک کربلا، یزید بن حرّ ریاحی در مقابل امام قرار می گیرد و حسان نیز زبان
حالی از حر بن یزید بیان میکند:

اگرچه کمتر از خارم بدانی نباید ای گل از پشت برانی
که هر جا می شود گل مونس خار منم خار و تو گلروی زمانی

(همان: ۱۷۱)

بعد از شعر «شرمسار»، حسان در شعر «بر باد رفته»، به توصیف شب عاشورا میپردازد. این شعر
کاملاً توصیفی و روایی است و حسان گوشه گوشه خیمه ها و یاران او را توصیف کرده است و به
نظر نگارنده یکی از بهترین اشعار توصیفی چایچیان در میان مجموعه اشعار اوست.

شب بود و ماه بود و فلک پر ستاره بود
دشت و فرات و خاک و شن و سنگ خاره بود
در هر کجا ز محنت و غم یک اشاره بود

بر سیل اشک دیده به پا گشته خیمه گاه
سه در میان خیمه و اصحاب گرد شاه

دشمن کثیر و بسته دگر راه چاره بود

زینب میان اهل حرم شمع انجمن
گاهی به آه و ناله و گه به ماتم و بی سخن
صحرا خموش، از غم فردای پر محن

عباس گرد خیمه به گردش تمام شب

بود آه و اشک همدم سقای تشنه لب

پر کرده دشت گریه آن طفل بی لب (همان: ۱۷۲)

در شعر «امشب و فردا» نیز واقعه شب عاشورا و صحنه های رقت بار و عاطفی آن روایت شده است:

امشب شهادن نامه عاشق امضا می شود فردا ز خون عاشقان این دشت دریا می شود

امشب کنار یکدگر بنشسته آل مصطفی فردا پریشان جمعشان چون قلب زهرا می شود

(همان: ۱۷۵)

حسان در شعرهای «روز حسین(ع)»، «اوراق پراکنده قرآن»، «خرمن گل» به وصف روز عاشورا پرداخته است و تصاویر گوناگونی از این روز را ارائه کرده است:

پیمبر پابرهنه سر گشاده کنار نعش اکبر ایستاده

چه گویم من که این شبه پیمبر چگونه بر زمین صورت نهاده

(همان: ۱۷۷)

مرثیه عباس بن علی (ع)

یکی از بیشترین مضامین مرثی حسان در پیرامون زندگانی عباس بن علی (ع) است. مهمترین مضمونی که در مورد عباس (ع) و در مرثی ایشان آمده است، موضوع سقایی آن حضرت و تلاش ایشان برای «آب» است:

تنها میان تیر دشمنانم ای کاش نیزه ها خورد به جانم

در پیش کودکان خجل بمانم ای تیر تگر به مشک من نشینی

والله ان قطعتم یمنی (همان: ۲۹۷)

عباس (ع) دو دست خویش را از دست داد، لیکن پیروز میدان اوست:

افتاد اگر چه دست عباس هرگز نبود شکست عباس

از پرچم کربلا بلند است آوازه ضرب شست عباس (همان: ۲۰۸)

شهادت عباس (ع)، کمر امام حسین (ع) را شکست:

چنان هجران او بر قلب ثارالله گران آمد که پشت شاه خم شد چون کمان آهسته آهسته

(همان: ۲۱۴)

عباس (ع) کسی است که در اوج تشنگی آب را برداشت، اما به خاطر کودکان حرم نخورد:

دست من خورد به آبی که نصیب تو نشد چشم من داد از آن آب روان تصویرم

جسدم را به سوی خیمه اصغر نبرید که خجالت زده زان تشنه لب بی شیرم

(همان: ۲۱۱)

مرثیه زینب بن علی (ع)

بیشترین مضامین مرثیه زینب (س) در میان گفتگوهای امام حسین (ع) و حضرت رقیه (س) در خرابه های شام و پس از اسارت است. حسان بسیار کمتر به ویژگی های رشادت و شهامت این بانوی بزرگ اسلام پرداخته است و به نظر نگارنده در این مورد نیز بسیار ضعیف بوده است.

از مضامین مراثی زینب (س) به غم و رنج های ایشان در وداع با امام حسین (ع):

تنها به میدان می روی گریان و عطشان می روی

می سوزم و چشمان تو ریزد سرشک از دود من

بگذار بوسم پای تو چون سایه بالای تو

باز آ در آغوش کشم ای شاهد مقصود من (همان: ۲۳۵)

سفارش امام حسین به زینب (س) مبنی بر رسالت ایشان:

کند هجوم چو دشمن به خیمه گاه علی تو هم چو فاطمه پاسدار ایمان باش

صبور باش چو آتش به خیمه شعله زند به گلستان ولایت خلیل رحمان باش

ز صبر خویش برین داغ های عالم سوز نجات بخش خلاق ز قهر یزدان باش

به کوفه چون که صدای حسین میشنوی به صبر خویش در آن لحظه یار قرآن باش

مریز اشک تحسر به پیش چشم عدو به هر دیار سخنگوی رب سبحان باش

(همان: ۲۳۷)

از زبان حال ایشان در وصف حوادث کربلا:

چونکه آن یار مهربان می رفت از تنم گویا روان می رفت

در کمین بود هر طرف گلچین باغبان هم ز گلستان می رفت

سوزش آفتاب و بی آبی تشنه گل ها و سایبان می رفت

(همان: ۲۳۸)

در وداع ایشان از امام حسین (ع):

دستم به دامت مرو برادر اشک اینچنین مریز پیش خواهر

مجروح و خسته ای و دل پر آذر تنها و بیکیس؛ کجاست اکبر

عطشان گرسنه عازم نبردی پر آه و درد و چهره پرگردی

از این وداع آتشین که کردی ترسم خدا نکرده برنگردی

(همان: ۲۴۲)

زبان حال زینب (س) بعد از شهادت امام و یارانش:

اینان که طبل خاتمۀ جنگ می زنند دیگر چرا به خیمۀ ما سنگ می زنند
باران تیر و حملۀ غارت شروع شد نقشی دگر ز ننگ درین جنگ می زنند
غارتگران درون خیامند و کودکان از ترسشان به دامن من چنگ می زنند
بر چهره های خسته و مات و پریده رنگ به سیلی خشونتشان رنگ می زنند
(همان: ۲۵۱)

زینب (س) با وجود اسیری، با زبان و بیان خود آبروی یزیدیان را برد:

دادخواه خون مظلومان شده از بیانش ظلم بی بنیان شده

(همان: ۲۸۹)

می دهد داد سخن در مجلس عام یزید گویا شاه سخنور مرتضای حیدر است

(همان: ۲۹۱)

تحلیل تفصیلی اشعار حبیب الله چایچیان (حسان)

در این جدول، چندین نمونه از اشعار حبیب الله چایچیان به تفکیک دو بعد (تحلیل معنایی، مضمونی و فکری) و تحلیل فرمی، ادبی و زبانی) به صورت کامل و دقیق بررسی شده اند.

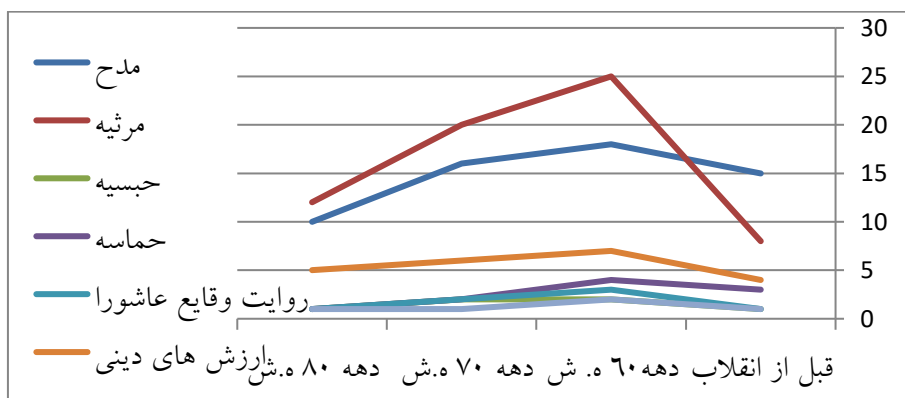
بیت یا مصراع	تحلیل معنایی مضمونی/فکری	تحلیل فرمی ادبی و زبانی
آدم ای شاه، پناهم بده	توسل خالصانه به امام رضا (ع) زائر گنهکار در مقام اعتراف نماد فنا در محبوب	زبان ساده و محاوره ای فعل امری با بار عاطفی قالب دوبیتی با موسیقی درونی
امشب شهادت نامه عشاق امضا می شود	تصویر شب عاشورا شهادت به عنوان تعهد عاشقانه تلفیق حماسه، عرفان و عشق الهی	استعاره و کنایه ساختار خبری با لحن دراماتیک واژگان با بار فرهنگی و تاریخی
دوست دارم سایه باشم تا در آغوشم بخوابی	ایثار و عشق مادرانه سایه نماد آرامش و حفاظت عرفان عاشقانه در لباس عاطفه	تشبیه لطیف و تمنایی زبان نرم و هماهنگ واژگان عاطفی و پرکاربرد

مراعات النظیر (ماه/سحر/بیداری)، استفاده از تصاویر شبانه، زبان نرم.	تمایل به خدمت دائمی و عشق شبانه‌روزی به محبوب، بیداری نماد مراقبت.	دوست دارم ماه باشم تا سحر بیدار باشم
قالب مثنوی، قافیه منظم	مضامین عاشقانه و حماسی در رئای امام حسین (ع). عاطفه شدید عاشقانه و ایثار	آمدی ای دلربا، جانم فدای تو
سبک کلاسیک با لحن خطابی، استفاده از تصاویر احساسی	برجسته سازی هویت خانوادگی امام حسین، غلبه مفهوم مظلومیت و حق طلبی	ای پسر فاطمه، ای کشته میدان بلا
تشخیص (پابند شدن مردان خدا)، کنایه از عدم استفاده از زبان محاوره، لحن حماسی	مقام زن در عاشورا، الگوی صبر	ای زینب کبری که به صبرت شده پابند، مردان خدا
تشبیه ضمنی (خون و ولایت)، تلمیح به عاشورا ترکیب‌سازی سنتی، زبان فاخر و فصیح	شهادت‌محور، تداوم مظلومیت اهل بیت	تا خون به چشم اهل ولا می‌دود هنوز...
استفاده از وصف طولانی‌زبان کلاسیک، ساده و روان	حماسی، شخصیتی اسطوره‌سازی	سقای دشت کربلا، عباس نام‌آور
تکرار، ایهام در «لب تشنه» لحن حزن‌آلود، جملات کوتاه و ضربه‌زننده	مرثیه، تاکید بر رنج طفلان حسینی	فریاد العطش ز لب تشنه می‌رسید
ایهام، استعاره از شمع، کاربرد زبان عاطفی، بی‌پیرایه و قابل فهم	استقامت، عرفانی-مذهبی	چون شمع اگر چه سوخته‌ام، روشنم هنوز
قالب ترکیبی، استفاده از سجع و واج آرایی	بیان دلدادگی مطلق، مضمون بندگی و عبودیت نسبت به اهل بیت	گشته ام خاک رهت، در همه حال ای شه دین

بر سر بالینت امشب از غم فردا بسوزم	اشاره به غم شهادت فردا، تصویر همراهی عاشق تا واپسین لحظه.	ترکیب استعاری، استفاده از سوزش برای همدلی، فضای احساسی.
کاش می‌شد سر بازم در رخت بی‌ادعا	آرزوی شهادت خالصانه، بدون توقع، مضمون اخلاص در راه عشق.	فعل تمنایی (کاش)، زبان ساده، واژگان عرفانی (ببازم، بی‌ادعا).
گریه کن ای دیده، امشب دیده‌ات را وا مکن	دعوت به عزاداری، مضمون سوگواری شبانه، تصویر چشم بیدار غمگین.	خطاب مستقیم به چشم، استفاده از تکرار افعال، موسیقی درونی قوی.
هر که دارد هوس کربلا بسم‌الله	ندای قیام، اشاره به عاشورا، دعوت به فداکاری و همراهی.	جمله امری، لحن انقلابی، وزن محکم، قالب دوبیتی یا مثنوی.
ای اشک‌ها بریزید، امشب شب وداع است	حزن وداع، غم شب عاشورا، اشک به عنوان زبان عاطفی شاعر.	خطاب به اشک، تصویرسازی احساسی، ترکیب لطیف شب/وداع.

نمودار فراوانی اغراض شعری در اشعار حبیب‌الله چایچیان

نمودار زیر میزان تخمینی استفاده از انواع اغراض شعری نظیر مرثیه، مدح، حبسیه، حماسه و ... را در سه دوره زمانی (پیش از انقلاب، دهه ۶۰ و دهه ۷۰ به بعد) در اشعار حبیب‌الله چایچیان نمایش می‌دهد.



محور افقی نمایانگر دوره‌های زمانی و محور عمودی نشان‌دهنده درصد فراوانی هر غرض شعری است. اغراض با رنگ‌های مختلف مشخص شده‌اند.

نتیجه

شعر آیینی به عنوان یکی از اصیل‌ترین گونه‌های ادبی فارسی، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های دینی و فرهنگی ایفا می‌کند. حبیب الله چایچیان (حسان) به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران این حوزه، با بهره‌گیری از تکنیک‌های ادبی و عواطف عمیق مذهبی، توانست آثار ارزشمندی در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) خلق کند. شعر آیینی و عاشورایی بیش از هر چیز نشانگر عقاید مذهبی و باورهای قلبی است که تمام وجود انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. پرداختن هنری به این امور بسیار حساس است چرا که ممکن است برخی از غلوهای شاعرانه و یا نگاه شاعرانه سبب انحراف مخاطب بشود؛ لیکن پرورش هنری مطالب مذهبی که در مورد خدا و ائمه معصومین است کاری است که در صورت موفقیت شاعر، حیات جاودانی به او خواهد بخشید. در مجموعه اشعار چایچیان با مضامین متعددی روبرو هستیم که بیشترین آن به مدح و مرثیه اختصاص داده شده است. مدح و مرثیه موجود در دیوان اشعار او شامل عناوین متعددی است که برای شخصیت‌های دینی و اسلامی سروده شده است. بررسی اشعار او نشان‌دهنده تلفیق هنرمندانه فرم و محتوا در خدمت بیان مضامین دینی و عرفانی است. میراث ادبی حسان نه تنها برای ادب دوستان، بلکه برای پژوهشگران حوزه ادبیات آیینی منبعی ارزشمند محسوب می‌شود.

منابع

۱. الهی قمشه ای، مهدی (۱۳۸۰ش)، *قرآن کریم*، تهران: انتشارات پیام آزادی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰ش)، *علل الشرائع*، قم: باب الدآوری.
۳. ابوناجی، محمود حسن (۱۴۰۲ق)، *الرتاء فی الشعر العربی*، بیروت: الطبعة الثانية.
۴. آذر، امیر اسماعیل (۱۳۸۱ش)، *میراث عشق*، تهران: پیک علوم.
۵. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۶۳ش)، *مقدمه الشعر و الشعرای ابن قتیبہ در آیین نقد ادبی*، تهران: امیرکبیر.
۶. افسری کرمانی، عبدالرضا (۱۳۷۶ش)، *نگرشی به مرثیه‌سرایی در ایران*، چ ۲، تهران: اطلاعات.
۷. امامی، نصرالله (۱۳۶۹ش)، *مرثیه‌سرایی در ادبیات فارسی (تا پایان قرن هشتم)*، اهواز: جهاد دانشگاهی.
۸. امین‌پور، قیصر (۱۳۸۳ش)، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، تهران: علمی و فرهنگی.
۹. ترکمانیان، حسین (۱۳۸۸ش)، *تجلی عاشورا در شعر معاصر پس از انقلاب*، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۰. چایچیان، حبیب الله (۱۳۶۸ش)، *ای اشک ها بریزید*، تهران: علمیه اسلامی.
۱۱. حسینی کازرونی، احمد (۱۳۸۲ش)، *عاشورا سرایی در ادب فارسی*، تهران: ارمغان.
۱۲. حسینی، حسن (۱۳۶۰ش)، *هم صدا با حلق اسماعیل*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. حکیمی، محمدرضا (بی تا)، *حماسه غدیر*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. خاقانی، افضل الدین بدیع (۱۳۸۶ش)، *دیوان اشعار*، تصحیح دکتر سجادی، تهران: زوار.
۱۵. خزعلی، انسیه (ش ۱۳۸۳)، *امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی*، تهران: امیرکبیر.
۱۶. زرقانی، مهدی (۱۳۸۷ش)، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.
۱۷. زرین کوب، حمید (۱۳۵۸ش)، *چشم انداز شعر نو فارسی*، تهران: انتشارات توس.
۱۸. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۵ش)، *شعر بی دروغ، شعر بی نقاب*، ج ۲، تهران: جاویدان.
۱۹. سنگری، محمدرضا (۱۳۷۹ش)، *پیوند دو فرهنگ (فرهنگ عاشورا و فرهنگ دفاع مقدس)*، قم: یاقوت.
۲۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰ش)، *با چراغ و آینه*، تهران: سخن.
۲۱. شفیعی کدکنی (۱۳۸۷ش)، *شاعر آینه ها*، تهران: آگاه.
۲۲. شفیعی کدکنی (۱۳۸۵ش)، *صور خیال*، تهران: آگاه.
۲۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸ش)، *کلیات سبک شناسی*، تهران: فردوس.
۲۴. شمیسا، سیروس (۱۳۸۵ش)، *سبک شناسی شعر*، تهران: فردوس.
۲۵. شهریار، محمد حسین (۱۳۸۴ش)، *دیوان اشعار*، دو جلدی، چاپ بیست و دوم، تهران: نگاه.
۲۶. صفا، ذبیح الله (۱۳۵۵ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: امیرکبیر.
۲۷. الفاخوری، حنا (۱۴۲۷ق)، *الجامع فی التاریخ الادب العربی*، ج ۱، بیروت: ذوی القربی.
۲۸. کرباسی، محمدصادق محمد (۱۴۲۱ق)، *دایره المعارف الحسینی*، لندن: مرکز الحسینی للدراسات.
۲۹. کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۰ش)، *ده شاعر انقلاب*، تهران: سوره مهر.
۳۰. کافی، غلامرضا (۱۳۸۸ش)، *شرح منظومه ظهر*، چاپ دوم، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

۳۱. کرمی، اکرم (۱۳۸۹ش)، *عرفان در ادبیات عاشورایی (از دوره صفویه تا زمان معاصر)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۲. کرمی، اکرم (۱۳۸۹ش)، *عرفان در ادبیات عاشورایی (از دوره صفویه تا زمان معاصر)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۳. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، *پژوهشی در مقتل‌های فارسی*، قم: زمزم هدایت.
۳۴. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹ش)، *شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی*، چاپ اول، قم: پیک جلال.
۳۵. محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸ش)، *شعر آیینی و تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر آن*، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۳۶. محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۷۲ش)، *حماسه حسینی*، ۳ج. تهران: صدرا.